

نشت روغن، علت آتش سوزی در شهرک صنعتی فریمان

شامگاه دوشنبه وقوع حادثه آتش سوزی در یکی از واحدهای صنعتی در شهرک صنعتی فریمان، شایعات زیادی از جمله وقوع حریق در یک پالایشگاه را در فضای مجازی داغ کرد. موضوعی که با واکنش فرماندار فریمان روبه‌رو شد.

عباسعلی صفایی درباره این حادثه به ایرنا گفت: حادثه در شرکت پترونفت فریمان رخ داده و علت آن هم نشت از مخزن تصفیه روغن در محوطه این شرکت بوده است. علت وقوع حادثه از سوی پلیس و کارشناسان حوادث صنعتی اعلام شد و بر این اساس وقوع آتش سوزی به هیچ وجه اقدامی عمدی یا خرابکارانه نبوده است. او با انتقاد از نحوه اطلاع‌رسانی این حادثه در رسانه‌ها و فضای مجازی اعلام کرد: این واحد صنعتی کوچک کارش تصفیه روغن است و شمار کارکنان این واحد تنها ۸ نفرند، اما برخی رسانه‌ها به اشتباه از واژه پالایشگاه استفاده کرده‌اند که همین اشتباه موجب شد تا حریق در این واحد صنعتی کوچک به اشتباه به پالایشگاه نفت نسبت داده شود و خبر آن به سرعت انعکاسی وسیع پیدا کند.

رهایی از درد با عمل پیوند اعضا در مشهد

با وجود مخاطرات کرونا، جدیدترین عمل اهدای عضو در مشهد با رعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی با موفقیت همراه بود و جان چند شهروند را از درد و رنج نجات داد.

مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد درباره جزئیات نهصدوهشتادونهمین عمل اهدای عضو در مشهد گفت: با رضایت اعضای خانواده مر حوم نیسر زابلی پنجاه‌وپنج ساله، پیکر این زن میان سال از بیمارستان قائم (عج) به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد منتقل شد و در بیمارستان منتصریه تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت.

به گفته دکتر ابراهیم خالقی، کلیه‌های زنده‌یاد نیسر زابلی در بیمارستان بوعلی سینای شیراز به مردی پنجاه‌وهفت ساله ساکن بوشهر و مردی پنجاه‌ودو ساله ساکن گناوه که سال‌ها از نارسایی کلیه رنج می‌بردند و با دیالیز تحت درمان بودند به صورت رایگان اهدا و پیوند شد. کبد مر حوم نیز در بیمارستان منتصریه به مردی پنجاه‌ودو ساله ساکن مشهد پیوند شد. همچنین قریبه‌ها و قسمتی از پوست زنده‌یاد زابلی برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) ارسال شد.

آزادی ۲۵۷۴ زندانی جرائم غیرعمد

۲۵۷۴ زندانی جرائم غیرعمد که بدهی آن‌ها زیر ۵۰ میلیون تومان بود از زندان آزاد شدند.

مرکز رسانه قوه قضائیه در این باره اعلام کرد: هم‌زمان با شلوغی دادگاه‌های بر خورد با دانه درشت‌ها و مفسدان، در ادامه اجرایی شدن سیاست‌ها و دستورالعمل‌های رئیس قوه قضائیه برای کاهش جمعیت کیفری به‌خصوص از میان زندانیان جرائم غیرعمد، پس از تصمیمات به‌موقع در اعطای مرخصی به بیش از ۱۱۴ هزار زندانی در موج اول همه‌گیری بیماری کرونا با همکاری مشترک سازمان زندان‌ها و بنیاد مستضعفان تفاه‌نامه‌ای امضا شد که بر مبنای آن ۲۵۷۴ زندانی جرائم غیرعمد و جرائم مالی از زندان آزاد شدند.

با امضای این تفاه‌نامه، مددجویان نیازمند جرائم غیرعمد که بدهی‌شان کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال بوده، با مساعدت بنیاد مستضعفان آزاد شدند و به کانون خانواده و جامعه بازگشتند. بنیاد مستضعفان با پرداخت ۵۰۰ میلیارد ریال زمینه آزادی این تعداد زندانی را فراهم کرد.

پیغام از یک غریبه

متین نیشابوری

جلسه خواستگاری برگزار شد و با دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کردم. فامیل بودیم و همدیگر را می‌شناختیم. برای همین همه کارهایی‌ی‌دردسر و خیلی راحت جفت و جور شد. دوران قدرت را آغاز کردیم و مشکل خاصی هم نداشتیم. روزهای خوبی را پشت سر گذاشتیم و با توجه به شیوع ویروس کرونا جشن ازدواج هم نگرفتیم و بدون هیچ بریز و پاشی زندگی مشترکمان را آغاز کردیم. هیچ وقت فکر نمی‌کردم رازهای دوران عقدم این‌طور باش بشود. در دوران عقد در فضای مجازی با دختری آشنا شدم. ارتباط مجازی ما چند ماه طول کشید و هر موقع بیکار می‌شدم به این خیال باطل که کسی چیزی از این ماجرا نمی‌فهمد برای آن دختر پیام می‌فرستادم.

دختر جوان فکر می‌کرد مجرد هستم و وقتی حرف‌هایمان جدی شد و فهمید به‌زودی قرار است ازدواج کنم از کوره در رفت. حسابی شاکی شد و می‌گفت: «تو که زن داشتی نباید احساساتم را به بازی می‌گرفتی»

بی‌توجه به حرف‌هایش با او قطع رابطه کردم و هفته بعد از آن هم سرم به زندگی خودم گرم‌شد. خیالم راحت بود که همسرم از این موضوع بویی نمی‌برد. آن دختر هم فضای مجازی را برای مدتی ترک کرده بود و خبری از او نداشتم.

مدتی از این ماجرا گذشته بود. گوشی تلفن همراه همسرم خراب شده بود برای همین گوشی تلفن خودم را در اختیارش گذاشتم. او به خانه مادرش رفت و من هم در خانه استراحت می‌کردم. غروب بود که با توپ پر به خانه برگشت. علت ناراحتی‌اش را پرسیدم. با شنیدن حرف‌هایش برای یک لحظه خشمگن‌زد. اسم و فامیل همان دختری را به زبان می‌آورد که دوران عقد و در فضای مجازی با او ارتباط داشتم. آن دختر پیام‌رسان حذف شده‌اش را دوباره وصل می‌کند و پیام پیوستن او به پیام‌رسان گوشی‌من می‌ارسال می‌شود. همسرم با دیدن عکس‌های آل‌بوم شخصی این خانم مشکوک شده و پیامی برایش می‌فرستد. دختر جوان هم در پاسخ شروع به بد و بیراه گفتن می‌کند و زمانی که متوجه می‌شود همسرم پاسخ‌گو است هر چه دلش می‌خواهد به او می‌گوید.

سر این مسئله دعوایمان شد و همسرم قهر کرد و به خانه پدرش رفت. خانواده‌اش هم تحت‌تأثیر حرف‌های او قرار گرفتند و با من بر خورد تندى کردند. حالا دیگر خانواده خودم هم شاکی شده بودند و همه به چشم یک آدم هوس‌پاز نگاهم می‌کردند. من و همسرم حتی تا مرز طلاق هم پیش رفتیم اما خوشبختانه با وساطت خانواده‌ها این مشکل مرتفع شد. حق را به همسرم و آن‌ها می‌دهم. تصمیم گرفته‌ام تا آبروی رفته‌ام را برگردانم.

شهرک

روزنامه شهرامید وزندگی

آشنیه ۲۵ تیر ۱۳۹۱ شماره ۳۳۳

۱۲

↓

لوگو

جسد سوخته زنی جوان در طبرسی شمالی کشف شد

مهدی قرآنی

m.ghorani@shahraranews.ir

ساعت حوالي ۲ بامداد سه‌شنبه رانشان می‌داد که پست نگهبانی اش را تحویل گرفت. در خواب و بیداری بود که متوجه شد فردی به در کارگاه می‌کوبد و در آن موقع شب در بیابان داد و هواری راه انداخته است. با بیسیم موضوع را به چند همکار دیگرش اطلاع داد و چند نفری به سراغ عامل سر و صدا رفتند. او مردی میان‌سال با سروصنعی ژولیده بود. از ظاهرش پیدا بود که سال‌هاست وابسته به مواد مخدر است و عمرش را با ناشنگی، خماری و گرسنگی گذرانده است. نگهبانان ابتدا فکر می‌کردند که غذای خواهدو به سراغشان آمده است اما حرف‌هایش بر خلاف ظاهر ژولیده‌اش مهم‌بود و کمی هم ترسناک.

● توهم ندارم او را سوزاند

مرد معتاد دستپاچه بود و تکه‌پاره حرف می‌زد. انگار قلبیش از هیجان می‌خواست از دهانش بیرون بزند. دست و پایش هم می‌لرزید. می‌گفت خودش دیده است که آن پایین مردی دارد یک جنازه را می‌سوزاند. سخت بود باور حرف کسی که عمرش را به خماری و توهم مصرف مواد گذرانده است. نگهبانان خیال می‌کردند کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه دارد و نوعی می‌خواهد سرشان را زیر آب کند برای همین هم ابتدا حرف‌هایش را باور نکردند اما اوسمج بودو مدام از جنایتی حرف می‌زد که چند دقیقه پیش با چشمانش دیده‌بود. کم‌کم هراس به‌دل نگهبانان کارگاه قطار شهری هم افتاد و آن‌ها را راهی محلی کرد که مرد معتاد از آن حرف می‌زد. در دل بیابان و خیلی دورتر از خط‌آخرین

قتل ۹تحصن‌کننده در سودان

سودان، ایرنا هفته گذشته تعداد زیادی از کشاورزان سودانی در منطقه فتاب رنو در شمال ایالت دارفور، اقدام به تحصن‌های متعدد کردند. تحصن‌کنندگان خواستار تأمین امنیت جانی خود در فصل برداشت محصولات کشاورزی در مقابل حملات شبه نظامیان مسلح و برکناری مقامات محلی بودند اما تعدادی مهاجم ناشناس با حمله به تحصن‌کنندگان ۹ نفر را کشتند و دارایی‌های شهروندان منطقه را به سرقت بردند. - کمیته پزشکان سودان در بیانیه‌ای بدون افشای نام مهاجمان اعلام کرد که مرگ‌های تحصن‌کنندگان از سوی این گروه شبه‌نظامی همچنان ادامه دارد.

جنایت در انتهای خیابان پنجاه‌وششم

جسد سوخته زنی جوان در طبرسی شمالی کشف شد

خانه‌های انتهایی طبرسی شمالی ۵۶ نور آتشی به چشم می‌خورد یک نفر هم کنار آتش ایستاده بود. نور زیاد و کم آتش نشان می‌داد فردی که کنار آن ایستاده مردی جوان است. اما چهره‌اش به خوبی تشخیص داده نمی‌شد. ظاهرا حرف معنادر نگون بخت درست بود اما نگهبانان هنوز به اومشکوک بودند. نگهبانان برای رسیدن به محل جنازه سوزی باید منطقه را دور می‌زدند و تا خودشان را به آنجا رسانند اثری از آن فرد نبود. در میان آتش چیزی می‌سوخت که از فاصله دور مشخص نبود انسان است یا حیوان ؟ هراس به‌دل نگهبانان افتاده بودو حالا برایشان مسجل شده بود حرف‌های مرد معتاد درست از آب درآمده است. زیر نور چراغ قوه واقعیت این ماجرا بر ملا شد. جمجمه، استخوان‌ها و اندام‌های کاملاً سوخته، همگی متعلق به یک انسان لاغر بودند. انسانی که معلوم‌نبوده چه دلیل یا چه گناهی محکوم به چنین مرگی شده است.

● قاتل مرانید وگرنه مراهم آتش می‌زد

موضوع بلافاصله به پلیس گزارش شد و طولی نکشید که مأموران کلانتری طبرسی شمالی مشهد خود را به بیابان انتهای طبرسی شمالی ۵۶ رساندند. خیابانی طولی که به چند کوچه

پس کوچه دیگر هم ختم می‌شد و امکان قرار متهم‌افراهم می‌ساخت. خیلی زود پای قاضی ویژه قتل عمد دادسرای مشهد هم به این پرونده

باز شد و با دستور بازپرس احمدی نژاد تحقیقات برای شناسایی هویت متوفی و دستگیری متهم

یا متهمان صادر شد. مرد معتادی که ماجرا را از نزدیک دیده بود حالا باید در برابر قاضی پرونده

قرار می‌گرفت و هر آنچه دیده بود را بر زبان

داشت و فکر می‌کرد در عالم خماری هستم و

آرام و بدون اینکه توجهش را جلب کنم خودم

را به کارگاه قطار شهری رساندم و موضوع را به نگهبانان اطلاع دادم. آن‌ها فکر می‌کردند که

توهم زده‌ام. البته خودم هم ابتدا همین نظر را داشتم و فکر می‌کردم در عالم خماری هستم و

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.

سپید زده است.